



## تجلی خلل‌های درونی و بیرونی دموکراسی‌ها در ناکارایی



دکتر محمدجواد ظریف\* - دکتر آرزو قاسمی\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

دموکراسی را پرآوازه‌ترین نوع نظام سیاسی و یکی از برترین داشته‌های آدمیان می‌دانند که کم‌تر کسی از تشبث به آن خودداری می‌ورزد. با این وجود، بیش‌وکم تمام دموکراسی‌ها با خلل‌هایی مواجهند که از کارایی آنان در مسیرشان کاسته به انحراف‌شان می‌انجامد. این خطری فراروی هر نظام سیاسی با نام دموکراسی است که می‌تواند به آسیب‌زایی یا مشروعیت‌زدایی دچار گردد. همین زنگ خطر، ضرورت پژوهش در چرایی این آسیب‌ها را ضروری می‌نماید. گوناگونی و ناهمسانی دموکراسی‌ها سبب می‌گردد در پژوهشی با گستره موضوعی محدود، نوع خاصی از دموکراسی‌ها که حائز اوصاف معینی هستند، اتخاذ مبنا گردد. سوال پژوهش از چیستی این خلل‌ها و فرضیه بر دوگانگی درونی و بیرونی آن‌ها دلالت می‌کند. محک فرضیه در سنجه آزمون و برآمد پژوهش به روش تحقیق تحلیلی-توصیفی، شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی نشان می‌دهد خلل‌های درونی دموکراسی‌ها برآمده از شهروندانی است که با بی‌میلی به کنش عمومی، ناآگاهی یا ضعف دانشی و منفعت‌طلبی در کنار مقامات انتخابی که از خواست و منافع همگانی منحرف می‌گردند و بروکرات‌های غیرانتخابی که نحله و منافع اداری خود را بر نفع همگانی ارجح می‌انگارند. به علاوه، نفوذگری گروه‌های ذی‌نفوذ که تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را از خواست عمومی منحرف می‌سازند و انحراف در ارائه خدمات عمومی که دموکراسی‌ها ناچار از ارائه آن‌ها هستند، خلل‌های بیرونی موجد ناکارایی دموکراسی‌ها هستند.

### کلیدواژگان

دموکراسی، خلل ذاتی، خلل عرضی، ناکارایی

\* نویسنده مسئول، دانشیار و عضو هیات علمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: [jzarif@ut.ac.ir](mailto:jzarif@ut.ac.ir)

\*\* دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی

## مقدمه

در جهان کنونی ما آدمیان، رایج‌ترین نظام و الگوی سیاسی نظام دموکراتیک (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۷)؛ (Tabatabaei, 2014: 7) و آرمان دموکراسی است که افق بیکرانه زمان ما شده است. چرا که در زیست انسان کنونی، هیچ مفهومی مانند دموکراسی از جذابیت برخوردار نیست. آنچنانکه دموکراسی مهم‌ترین ملاک مشروعیت حکومت‌ها و این انگار چنان جهان‌گیر شده است که حتی غیردموکراتیک‌ترین حکومت‌ها نیز از دموکراتیک خواندن خود ابایی ندارند (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ (Putnam, 2013: 13). جرج اورول به درستی گفته بود، «کسانی که از یک رژیم دفاع می‌کنند، فرقی نمی‌کند که چه باشد، آنرا یک رژیم دموکراتیک می‌خوانند» (دوبنوا، ۱۳۷۸: ۱۹)؛ (Benoist, 1999: 19). اما وقتی از دموکراسی سخن به میان می‌آید، از چه سخن گفته می‌شود که این همه خواستار و در عین حال معاند دارد (دال، ۱۳۸۹: ۱۳)؛ (Dahl, 2010: 13). برای کاربرد واژه دموکراسی نیازی نیست پژوهش‌گر خود را «...به زحمت بیندازد. این واژه کمابیش بدون دخل و تصرفی از یونانی به همه زبان‌های عمده و اصلی وارد شده است... اما واژه مقدس و تغییرنیافته دموکراسی می‌تواند به همان اندازه کافی دردسرساز شود» (برنارد، ۱۳۹۲: ۲۴)؛ (Bernard, 2013: 24). این دردسر بویژه برآمده از خاصیت انعطاف‌پذیر دموکراسی است که ارائه تفسیرهای متفاوت و گاهی متضاد از آن را موجب می‌شود (قرداغی، ۱۳۹۳: ۲۴)؛ (Gharedaghi, 2014: 24). از انعطاف‌پذیری معنایی تا انعطاف‌پذیری تاریخی و سیاسی جوامع، سیالیت این نوع نظام سیاسی، هنوز هم اختلاف پیرامون آن را افزون می‌نماید. در بُعد معنایی، کدو کاو در متون، اسناد، اقوال و افکار نشان از پیوستگی معانی بسیاری با دموکراسی دارد. هر کس از منظری آنرا معنا نموده است و به اراده خود اضافه‌ای بر آن افزوده است. جستجو در معانی و تعاریف دموکراسی به خوبی موید این تفاوت‌ها در نگرش است. رابرت دال در کتاب *دبیاچه‌ای بر نظریه دموکراتیک*، به درستی به «مهم‌ترین دشواری در بحث از دموکراسی اشاره می‌کند. به نظر وی تنها یک نظریه دموکراسی وجود ندارد بلکه ما با تنوعی از نظریه‌های دموکراسی رویارو هستیم» (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۸)؛ (Ansari, 2005: 18). لذا، اگرچه دموکراسی «ویژگی‌های مشخصی دارد اما در کشورهایی که هم اکنون مردم عادی آن‌ها را مردم‌سالار می‌نامند این خصوصیات با شکل‌ها و درجات مختلف ظهور می‌یابد» (گانینگ، ۱۳۹۳: ۳۷)؛ (Guning, 2014: 37) که بر ابهامات منظری دموکراسی می‌افزاید.

به هر روی، بیش و کم تمام دموکراسی‌ها با هر رویکرد تعریفی (اعم از قانونی، ماهوی، روشی یا فرآیندی-جهتی) که پا گرفته باشند در برخی ویژگی‌های ارزش‌گذارانه مشترکند که از جمله ناکارآیی است که به تضعیف‌گری مشروعیت وجودی و گاه هستی آنان می‌انجامد. در دوران اخیر،

<sup>1</sup>. Robert Dahl

با وجود تمام تفوق‌های دموکراسی خصوصاً اضمحلال اندیشه‌های رقیب نظیر کمونیسم و حصول برتری نظری-فلسفی حاکم بر اذهان، به گونه‌ای طنزآمیز با «مخالفت فزاینده نسبت به نتایج عملی‌اش مواجه شده‌است (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۱)؛ (Putnam, 2013: 21). بروز ناکارایی «در معنای انحراف از مسیر خواست واقعی مردم متجلی در حکومت مردم بر مردم»<sup>۱</sup> برآمده از عواملی متجلی در تمام دموکراسی‌هاست. این ناکارایی بمثابه مسئله‌زا (پروبلماتیک)، هشدار جدی برای تمام دموکراسی‌ها و واقعیتی عریان از وضعیت کنونی آن‌هاست و از این حیث تفاوتی میان دموکراسی‌های نوپا (یا کم‌تر ژرف‌یافته) با دموکراسی‌های دیرینه (یا قوام‌یافته) نیست. تمام نظام‌های دموکراتیک کم یا زیاد، این گسل مستعد تکانش و آتشفشان مُعد فروزش را بر بن‌پای خود دارند که ضرورت انجام پژوهشی پیرامون این منشاء‌های بروز کارایی‌ها را ایجاب می‌نماید. بر این بنیاد، پرسش تحقیق عبارتست از اینکه «دموکراسی‌ها با چه خلل/خلل‌های منجر به کاهش کارایی مواجهند؟» و فرضیه تحقیق این است «نگاهی هستی‌شناسانه واقعیات بنیان‌نشان از خلل‌های درونی و بیرونی موثر بر کارایی دموکراسی‌ها دارد». سنجش فرضیه در محک آزمون با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی به محضر اندیشه ارائه گردیده‌است.

### ۱- پیشینه تحقیق

سخن از خلل‌های دموکراسی‌ها سخن جدیدی نیست. از آغاز پیدایش اینگونه الگوی سیاسی، بسیاری بر راه واکاوی آن رفته‌اند و بسیاری بیش‌تر در مقام مخالفت با آن نشسته‌اند. خلل‌نمایی دموکراسی در طول تاریخ همواره همدلانی هم از پایگاه منادیان نظام‌های غیردموکراتیک و هم از پایگاه اندیشمندان منتقد داشته که محور مخالفت‌شان بر بنیان ناکارایی بنا یافته‌است. اینان بر آنند آنچه مُسمی به دموکراسی‌ست در هر دو بُعد نظری و عملی ناراست. از نخبه‌گرایان متقدم (کسانی چون سقراط، افلاطون و ارسطو) و متاخر (اعم از کسانی مانند موسکا، پاره‌تو و روبرت میخلز و بعدها دیگرانی مثل ماکس وبر و جوزف شومپتر) تا چپ‌گرایان سنتی و امروزی و حتی منتقدان اندرونی دموکراسی‌ها بسیار کوشیده‌اند تا خلل‌های آنرا نمایان سازند. با این وجود، تقسیم خلل‌های دموکراسی‌ها به درونی (ذاتی) و بیرونی (عارضی) و مهم‌تر، واکاوش تاثیر این خلل‌ها بر کارایی دموکراسی‌ها نوآورانه و بی‌سابقه‌است. لذا، در معنای اخص کلمه پیشینه به شمار نمی‌آید.

### ۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری: رویکرد مختار

گرچه بیش‌و کم تمام دموکراسی‌ها با چالش کارایی مواجهند اما واکاوی از علل ناکارایی انواع گوناگون دموکراسی‌ها گستره‌ای تحدیدناپذیر دارد. خوانش مختار و مطمح نظر دموکراسی در

<sup>۱</sup> در تمام پژوهش حاضر معنایی که از ناکارایی اراده شده، انحراف از مسیر مطلوب است.

پژوهش حاضر این است که به خلاف رویکردهای صورت‌گرا<sup>۱</sup> (که آنرا به نظامی سیاسی (بنگ: انصاری، ۱۳۸۴: ۲۶ به بعد)؛ (Ansari, 2005: 26) با صرف برگزاری انتخابات تقلیل می‌دهد تا در کمینه حالت، نقاب بر چهره مزورانه‌ای از کودتای بدون خونریزی باشد (بنگ: قراگوزلو، ۱۳۸۷: ۳۵)؛ (Gharagozlu, 2008: 35) یا در بیشینه حالت سازوکار آمد و رفت عملی معدودی محدود) آنرا شیوه زندگی جهان مدرن می‌انگارد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۹ و نیز انصاری، ۱۳۸۴: ۲۸ به بعد)؛ (Ansari, 2005, 26). در این خوانش با وجود تمام نامداری‌های نظریه‌پردازان درونی (موف و دیگران، ۱۳۹۵)؛ (Mouffe et al., 2016) و ناهم‌آوایی‌های دانشمندان بیرونی در رقابت با اندیشه‌های رقیب نظیر دموکراسی کمونیستی (بنگ: رضا، ۱۳۶۲)؛ (Reza, 1983)، نگرش آزادی‌خواهانه به عنوان مبنای فلسفه سیاسی برتری یافته تلقی می‌شود که آنرا از همه خیرهای سیاسی دیگر اساسی تر می‌داند (لیپست، ۱۳۸۴: ۱۲۷)؛ (Lipset, 2004: 127).

پراگماتیسم، یکی از بنیان‌های فلسفی آنرا تشکیل دهد که با اجتناب از حقیقت‌انگاری نظریه‌ها، انعطاف‌پذیری در مقابل تغییرات سودمند را ضروری می‌شناسد. این خوانش نسبی‌گرایانه، ارزش‌ها را نسبی و ذهنی می‌انگارد و بیشینه امکان تحقق آن‌ها را فراهم می‌سازد. قرارداد اجتماعی را به عنوان مبنای بنیادین می‌شناسد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۱۹-۴۷؛ (Bashirieh, 2008: 19-47). به خلاف رویکردهای رقیب (نلسون، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۳)؛ (Nelson, 2005: 12-13)، دموکراسی را نوع بویژه مطلوبی از حکومت می‌شمارد. اصل را بر سروری مردمان گذارده در پاسخ به کیستی صاحب حاکمیت، آنرا متعلق به مردم می‌داند (فرداگی، ۱۳۹۳: ۵۹ به بعد)؛ (Ghareadaghi, 2014: 59) که دولت موقعیتی ماشین‌انگار و نیابتی دارد که «که آدمی‌زاد آن را برای تسهیل زندگی و چرخاندن امور خود تعبیه کرده و راه انداخته است» (موحد، ۱۳۸۴: ۱۰۷)؛ (Movahhed, 2005: 107). رویکردی مثبت‌انگار به انسان وجود دارد و بر «گونه‌ای انسان‌شناسی ویژه استوار است {که} ... با رویکردی مثبت به انسان، سرمایه عقلانی و نیروی تشخیص او... خطای گروهی را کم‌تر از خطای یک یا چند تن» (نجفی‌افرا، ۱۳۸۴: ۵۴-۶۱)؛ (Najafi Afra, 2005: 54-61) می‌انگارد.<sup>۲</sup>

### ۳- تاریخچه

تمام دموکراسی‌ها از نخستین روزهای برآمدن پیش‌و کم با چالش ناکارایی مواجه و همین چالش نیز محل ایراد مخالفان آن بوده است. از نخستین مناقشه‌گران نظری دموکراسی تا

<sup>۱</sup>. Formative

<sup>۲</sup>. از این پس، در تمامی مواردی که از دموکراسی تعبیر شده است، منظور دموکراسی با مشخصات رویکرد مختار است.

قدرتمندترین مخالفان عملی آن، هر یک، از اصلی‌ترین دلایل مخالفت خود با دموکراسی را ضعف کارایی آن دانسته‌اند. لذا، تاریخچه ناکارایی دموکراسی‌ها به بلندای شکل‌گیری آن‌هاست. اینک پس از گذشت قرن‌ها، بویژه در دوران پیدآمدن دموکراسی‌های جدید، این ضعف عمده، بیش از پیش خود را در مواجهه با نیازها و ضروریات اجتماع نشان داده‌است. از منظر تاریخی، ضعف کارایی، همزاد دموکراسی و تاریخی به بلندای زمانه پدید آمدن دموکراسی دارد. هرچند در روزگار جدید، بیش از پیش خود نموده‌است.

#### ۴- ناکارایی: برآمد خلل‌های درونی و بیرونی دموکراسی

##### ۴-۱- خلل‌های درونی

ناکارایی‌های برآمده از مقتضای درون نظام دموکراسی در رابطه‌ای دو سویه از میان مردمان و مقامات رخ می‌نماید.

##### ۴-۱-۱- خلل‌های برآمده از شهروندان<sup>۱</sup>

چرایی آسیب‌زایی شهروندان برای دموکراسی که در بادی امر متناقض می‌نماید - با تاکید بر عدم حصر- در عللی از جمله رفتارشناسی مشارکتی، سطح آگاهی عمومی و منفعت‌طلبی‌گنشی قابل ارزیابی است.

##### ۴-۱-۱-۱- فراگیری ضعف مشارکت

برخورداری از حق اعمال نظر مردم در تصمیم‌های موثر زندگی‌شان، آرزوی دیرینه جوامع کهن (بیتهام و بویل، ۱۳۷۷: ۱۷)؛ (Beetham & Boyle, 1998: 17) و مشارکت‌گری شهروندان در زیست-فضای دموکراسی امری حیاتی است. لیکن، ضعف فراگیر مشارکت سیاسی و رشد فزاینده بی-تفاوتی شهروندی (کمپس، ۱۳۷۸: ۵۰-۵۳)؛ (Compes, 1999: 50-53) - به تعبیری افول مشارکت و بی‌میلی به سیاست- در دموکراسی‌ها، واقعیتی انکارناپذیر است که یکی از ویژگی‌ها (ویبر، ۱۳۹۵: ۱۰۵)؛ (Vibert, 2015: 15) و نقدهای اساسی دموکراسی‌ها (انصاری، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ (Ansari, 2005: 73) شده است. با آنکه بنیان و فراتر، حیات زیست دموکراتیک منوط به مشارکت‌ست، استمتاع حق مشارکت سیاسی، بویژه در قالب حق رأی - که برای تحقق همگانی آن راهی صعب طی شده‌است (گرجی‌ازندریانی و مختاری، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۱۵ به بعد)؛ (Gorji & Mokhtari, 2010-2011: 15) - به استیفای همگانی آن منجر نگردیده و برادر آن در نمودار زمان بر تعداد، سرایشی افولی دارد.

<sup>۱</sup> به گمان برخی تنها اتفاقات بزرگی مانند واترگیت (و استعفای ریچارد نیکسون)، جنگ ویتنام (و بحران ناشی از بهره‌گیری از عنصر نارنجی (Zierler, 2011))، ایران-کنترا (و شاخص‌شدن اندیشه حاکمیت قانون (آلتمن، ۱۳۸۶)؛ (Altman, 2007) یا حمله به عراق (و فریبکاری عمومی سرویس‌های اطلاعاتی) می‌تواند تغییری جدی در نگرش فرهنگی مردم به منازعات سیاست ایجاد کند (Mashaw & Harfst, 1987: 260)

در بیش‌تر نظام‌های دموکراتیک «گرایش شهروندان است به این که از امور عمومی کناره بگیرند و به زندگی خصوصی... روی آورند... {که} دال بر بی‌اعتنایی {منفعلا نه} به سیاست... است که در دموکراسی بسیار خطرناک شمرده می‌شود...» (لیپست، ۱۳۸۴: ۹۶)؛ (Lipset, 2004: 96). تفوق این دیدگاه سرشت‌شناسی‌گنیش شهروندان سبب گردیده در اکثر دموکراسی‌های کنونی، «مشارکت دموکراتیک به حد غیرقابل تصور کاهش یافته‌است. بسیاری از مردم با شرکت در انتخابات فکر می‌کنند که هیچ وظیفه سیاسی دیگری ندارند. در این میان یک گروه کوچک... حتی در قبال انتخابات نیز هیچ وظیفه‌ای احساس نمی‌کنند و به تمام شکل‌های فعالیت‌های سیاسی کاملاً بی‌اعتنا هستند» (کمپس، ۱۳۷۸: ۵۰-۵۳)؛ (Compes, 1999: 50-53). زیرا، معمولاً استفاده از حق رای توسط رای‌دهنده برای تاثیرگذاری بر دولت سودآور نیست (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۶۱)؛ (Guning, 2014: 161). بدتر، این گمان که مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ضامن حفظ و بقای آرمان‌های دموکراتیک نمی‌باشد، فراگیر شده‌است (لیپست، ۱۳۸۴: ۲۰۲)؛ (Lipset, 2004: 202). مثلاً، در آمریکا به خلاف یافته‌ی منجر به ستایش‌گری الکسی دوتوکوییل از مشارکت-جویی دموکراسی آمریکایی، «رابرت پانام در مقاله مفصلی با عنوان دموکراسی در آمریکا: پایان قرن مطالعات تجربی فوق‌العاده‌ای در خصوص افول مشارکت در همه حوزه‌های مدنی ارائه کرده-است» (انصاری، ۱۳۸۴: ۷۳)؛ (Ansari, 2005: 73). این امر خصوصاً در شرکت‌جویی در اجلی مصداق مشارکت یعنی انتخابات بیش از همه رخ نموده و این واقعیت را عیان ساخته که «با افرادی سروکار داریم که اغلب هیچ علاقه مستقیمی به امور سیاسی... ندارند» (گودین، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Goodin, 2010: 18). بدین ترتیب، علیرغم آنکه «دموکراسی در سرتاسر جهان در حال گسترش است... اما در دموکراسی‌های بالغ... ناامیدی گسترده‌ای نسبت به فرآیندهای دموکراتیک وجود دارد» (تلیس، ۱۳۹۱: ۱۶)؛ (Talissee, 2012: 16).

مشارکت شهروندان در زیست‌بوم دموکراسی در هر دو سطح عمومی و کنش انتخاباتی با بی-تفاوتی روزافزون مواجه‌است. بیماری مسری‌ای که می‌تواند «وادادگی سرخوشانه دموکراتیک»<sup>۱</sup> نامیده شود. از آنجا که در دموکراسی‌ها انتخاب نکردن گسترده و فراگیر می‌تواند شکلی خطرناک از انتخاب کردن باشد (برنارد، ۱۳۹۲: ۱۳)؛ (Bernard, 2013: 13) توالی فاسد گسترده‌ای به بار می‌آید.

#### ۲-۱-۱-۴- ضعف آگاهی عمومی

نقصان (اعم از فقد و ضعف) آگاهی عمومی، آسیب دیگر ذاتی ناشی از شهروندان دموکراسی‌ها است که در کنش‌گری مستقیم و هم در انتخاب‌گری نمود دارد. بی‌اطلاعی از حوزه عمومی خاصه سیاسی از دیرباز درد فراگیر جوامع دموکراتیک بوده که تاثیری شگرف نهاده‌است. بسیاری کسانی

<sup>۱</sup> این تعبیر فاقد سابقه طرح در ادبیات حقوق و سیاسی است.

که در طول تاریخ بر دموکراسی‌ها خرده گرفته‌اند، یکی از عمده ایرادات‌شان این بوده که حکومت اشخاص ناوارد و ناآگاه است (دوبنوا، ۱۳۷۸: ۱۲۱)؛ (Benoist, 1999: 121). خصوصاً انگار انفعال، بی تفاوت و ناآگاهی توده‌ها در تئوری‌های نخبه‌گرایی (دای و زیگلر، ۱۳۷۲: ۱۸)؛ (Dye & Zigler, 1993: 18) به ناپایستگی دموکراسی می‌انجامد.

تفاوت در میزان آگاهی عمومی کنش‌گری سیاسی به تفاوت در زیست سیاسی مردمان می‌انجامد و خود را در مقام انتخاب‌گری نیز نشان می‌دهد. شهروندان دموکراسی‌های نمایندگی، آگاهی کمی از نامزدها و برنامه‌های‌شان دارند (لاکومب، ۱۳۸۲: ۳۹)؛ (Lacombe, 2003: 39) مآلاً، نمی‌توانند مطمئن باشند که انتخاب‌شان صحیح است (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۱۴)؛ (Guning, 2014: 141). علاوه، بواسطه کمی انگیزه تحقیق برای تصمیم‌گیری منتج به مشارکت (گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ (Guning, 2014: 40) نمی‌توانند انتخابی شایسته میان برنامه‌های نامزدها داشته باشند (تلیس، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶)؛ (Talissee, 2012: 15-16) که به فقد شناخت موجد تصمیم شایسته انتخاب‌گری می‌انجامد. لذا، از خلال انتخاب نمایندگان کم‌توان، کاستی توانایی و بروز ناکارایی و در نتیجه بحران پدیدمی‌آید (قدردان قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۵۹)؛ (Ghadrdan Gharamaliki, 2006: 148-159). سستی در اکتساب این آگاهی در نگرش اقتصادی موافق طبع مآل‌اندیش آدمیان است. به این ترتیب، «فقدان دانش لازم برای تصمیم آگاهانه... رای‌دهی، ناشی از کم بودن منفعت رای دادن برای فرد، جهل عقلایی نامیده می‌شود. در دموکراسی‌ها، رای‌دهندگان تا حدی نسبت به نامزدها و عملکرد آن‌ها بی‌توجه هستند زیرا هزینه‌های شخصی برای به دست آوردن اطلاعات اضافی بیش از منافع شخصی است و این گونه عمل کردن عقلایی است» (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۶۵)؛ (Guning, 2014: 165).

### ۳-۱-۱-۴- منفعت‌طلبی شخصی رای‌دهندگان

یافته‌های نظریه انتخاب اجتماعی (See: Elester & Aanund Hylland, 1989) به ویژه اندیشه‌های مربوط به نظریه‌های رفتار رای‌دهی (عبدالله، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۰۴)؛ (Abdollah, 2009: 87-104) نشان از رفتار پارداو کسیکال رای‌دهندگان (Johnson, 1998: 3) در شکل منفعت‌طلبی شخصی دارد که به نقصان ذاتی دیگر دموکراسی‌ها بدل شده است. قاطبه شهروندان هم در مقام انتخاب نمایندگان و هم در ارتباط با دیوان‌سالاران، اصالت را به منافع شخصی خود می‌دهند. در مقام انتخاب منتخبان، جملگی رای‌دهندگان به نمایندگانی رای می‌دهند که لویح مورد حمایت آن‌ها برای‌شان منفعتی خالص عاید نماید (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۰۸)؛ (Guning, 2014: 108). حتی به قمار خطرناک خود به نادانی زدن یا به تعبیر برایان کپلن، بی‌خردی بخردانه دست می‌یازند & (Caplan, 2007: 114-181)

<sup>۱</sup>. Rational Irrationality

Caplan, 2001: 3-26). لذا، تسلیم در برابر وعده‌های عوام‌فریبانه همراستا با منافع شخصی و اولویت آن بر منافع همگانی است (لاکومب، ۱۳۸۲: ۴۰)؛ (Lacombe, 2003: 40). ارتباط با دیوان‌سالاران نیز بر همین منهج است. میل مردم اداره حکومت توسط دیوان‌سالارانی است که به بهره‌مندی آنان ولو به ضرر دیگران بیانجامد (گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ (Guning, 2014: 40). از منظر اقتصاد سیاسی، انتخاب‌گری شهروندان منجر به هزینه‌های خارجی تصمیم‌سازی گروهی می‌شود (گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ (Guning, 2014: 40). بویژه چنین امری در بافتار اجتماعی دچار ضعف‌های اقتصادی نمود بیش‌تری دارد که دموکراسی را با شکست مواجه می‌کند (بلاغی‌غزنوی، ۱۳۸۱: ۵۹)؛ (BalaghiGhaznavi, 2002: 59) یا بدتر با رانت‌جویی آن‌ها را به ورطه فساد درمی‌اندازد.

## ۲-۱-۴- خلل‌های برآمده از مقامات حکومت دموکراتیک

دومین سطح، ناکارآیی ذاتی دموکراسی‌ها ناشی از مقامات حکومت دموکراتیک است.

### ۱-۲-۱- سیاست‌مداران انتخابی

سیاستمداران انتخابی، ناشی از قصور، تقصیر، سوءنیت یا فقدان علم، تجربه و توان کافی برای به مقصد مطلوب رسانیدن، بار دموکراسی را نیمه‌راه کج می‌کنند. به خلاف آنکه نظریه نمایندگی با همه توجیحات تئوریک دیگر، به ویژه بر اخلاق (Dalley, 2011: 497) خصوصاً امانت‌اصیل و رعایت غبطه استوار است، انحراف ناشی از سیاستمداران انتخابی، همه‌زمانی است. دو قرن پیش‌تر الکسی دوتوکویل «با طرح موضوع ارزش‌های حاکم سعی... {داشت} نشان دهد اگر گروه خاصی بر جامعه حاکم شوند هر چند با رای مردم و قبول آنان بر سر کار آمده {باشند} اما در نهایت این ارزش‌های خاص آنان است که بر جامعه حاکم می‌شود (لیبی، ۱۳۸۸: ۱۶۲)؛ (Labibi, 2009: 162). دو سده پس از او، فرید زکریا بر همین منهج می‌گوید: «هنگامی که یک سیاست‌مدار... می‌گوید: مردم آمریکا می‌خواهند بدانند، در واقع آن سیاست‌مدار و احتمالاً فقط آن سیاست‌مدار است که می‌خواهد بدانند» (زکریا، ۱۳۸۵: ۲۳)؛ (Zakaria, 2006: 23). بدین سان با فاصله‌ای دو قرن پدیده‌ای واحد مورد اشاره قرار می‌گیرد.

افزون بر خطر انحراف از ارزش‌های رای‌دهندگان، همه دموکراسی‌ها در معرض سوءاستفاده از قدرت و بهره‌گیری از امور عمومی در خدمت منافع خصوصی قرار دارند (گانینگ، ۱۳۹۳: ۲۴۸)؛ (Guning, 2014: 248)؛ (لیپست، ۱۳۸۴: ۱۰۸)؛ (Lipset, 2004: 108). زیرا هر کس به صرف دستیابی به قدرت عمومی عملاً امکان می‌یابد از امتیازات آن بهره‌مند گردد (هوپ، ۱۳۹۵: ۵۰)؛ (Hoppe, 2015: 50). اگرچه فرض، استفاده سیاستمداران از قدرت تنها به سود اعضای اجتماع است اما کاربرد آن برخلاف خواسته‌های رای‌دهندگان نامحتمل نیست (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۲۱)؛ (Guning, 2014: 121). وضعیت مشابهی برای سودجویی قانون‌گذاران نیز هست. در زیست سیاسی کنونی، مردم-سالاری معادل سبیل‌های سنتی زندگی مردم‌سالار نظیر پارلمان‌ها دانسته می‌شود (ویبر، ۱۳۹۵: ۴۰)؛



(Vibert, 2015: 40) اما خطرناک‌ترین جلوه انحراف می‌تواند از همین گرانگه‌ها روی دهد. این انحراف را باید در وضع مقررات الزام‌آور - که باید معطوف به منافع همگان باشد - به منظور تامین منافع افراد خاص دانست. سیاستمداران نظام دموکراتیک به ایجاد فساد قانون‌پایه و جمع‌آوری غنایم سیاسی (بنگ: لیپست، ۱۳۸۴: ۱۳۱۶)؛ (Lipset, 2004: 1316) یعنی رانت‌جویی سیاسی دست می‌یازند. «رانت‌جویی به قوانین یا اقدامات اجرایی اشاره می‌کند که بیش‌تر مردم آن‌ها را به صورت خالص زیان‌بار یا اسراف‌کارانه تلقی می‌کنند... {یا} به فعالیت‌های قانونی... که به قصد تغییر قوانین یا اقدامات اجرایی انجام می‌شود تا فرد یا گروهی بیش از افراد یا گروه‌های دیگر منفعت کسب کنند» (گانینگ، ۱۳۹۳: ۳۹۲)؛ (Guning, 2014: 392). بدین‌سان، قدرت به واسطه منتخب صاحبان آن به جای عمل به سود آنان به سود خاصان عمل می‌کند و انتخابات عمومی از نشان‌دهنده اراده همگانی به نماینده منافع خصوصی بدل می‌شود. مآلاً، دموکراسی در عوض تامین منافع عمومی به صحنه مبارزه منافع خصوصی تبدیل می‌شود (لاکومب، ۱۳۸۲: ۴۱)؛ (Lacombe, 2003: 41).

#### ۲-۱-۴- دیوان‌سالاران غیرانتخابی

ناکارایی می‌تواند ناشی از عملکرد دیوان‌سالاران غیرانتخابی نیز باشد. ظهور ساختار دیوان‌سالارانه «حاصل کشمکش‌های سیاسی منتهی به تسلط دولت مرکزی بر کارکنان دولتی بود اما باید از تفکر غلط کارآمدی، لیاقت و فضل سیاستمداران در ساخت دیوان‌سالاری احتراز کرد (گانینگ، ۱۳۹۳: ۳۰۹)؛ (Guning, 2014: 309). ساختارسازی بروکراتیک لزوماً مبتنی بر قوه عاقله مفسره نیست بلکه دیوان‌سالاری مصنوع بشر پرنقصان است. مثلاً، دیوان‌سالاران «بدون استظهار به آراء عمومی نفوذ وافر بر سیاست‌گذاری‌ها دارند که می‌تواند غیر دموکراتیک معطوف به سوءاستفاده از قدرت به قصد بهره‌جویی نامشروع استفاده شود (بیتام و بویل، ۱۳۷۶: ۱۰۵)؛ (Beetham & Boyle, 1998: 105). لذا، با وجود فقد افراد ممتاز یا امتیازات شخصی در دموکراسی، مزایای کارکردی یا کارکردهای ممتاز برای کارکنان امر عمومی متصور است (هوپ، ۱۳۹۵: ۴۹)؛ (Hoppe, 2015: 49). یعنی، دیوان‌سالاران ریز و درشت لانه کرده در بروکراسی دموکراسی متنعّم از آن و شهره به ناکارآمدی، تبعیض و فساد هستند (گانینگ، ۱۳۹۳: ۵۶)؛ (Guning, 2014: 56). تنعمی که لزوماً صریحاً غیرقانونی نیست بلکه دیوان‌سالاران خصوصاً سطوح پایین‌تر، مستغنی از خواست رای‌دهندگان و هویت منتخبان قوای مجریه و مقننه با سوءتفسیر در مقام اجرا، معطوف به پیش‌برد منافع شغلی خویش دستورات را اعمال می‌کنند (لیپست، ۱۳۸۴: ۲۴۵)؛ (Lipset, 2004: 245) که خصوصاً در فرض صلاحیت‌گزینی یا اختیاری به انحراف دموکراسی‌ها می‌انجامد.

دیوان‌سالاران کاستی غیر مستقیم فقد بهره‌وری نیز به بار می‌آورند. زیرا با افزایش بودجه سازمانی که به ارتقاء زود هنگام منتهی می‌شود و گسترش مقررات که به افزایش نمود فعالیت‌شان می‌انجامد مستغنی از راهکارها و سیاست‌های منتخبان تصمیمات معطوف به اهداف بروکراتیک

خود می‌گیرند (لیپست، ۱۳۸۴: ۲۴۵)؛ (Lipset, 2004: 245). اینان با حضور بلندمدت در ارکان قدرت مصونیتی خاصی می‌یابند که به نوعی قاعده حفظ موقعیت‌شان در مقابل تهدیدهای معترضان و رقیبان بدل می‌شود (لیپست، ۱۳۸۴: ۱۰۷)؛ (Lipset, 2004: 107) همچنین با کاربرد غیردموکراتیک نفوذ خود مقابل اراده آراء عمومی و منتخب(ان) آن از طریق دشوارسازی اعمال تغییرات می‌ایستند (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۰۷)؛ (Guning, 2014: 107) و در عوض ایفای کارکرد خدمت به منافع اجتماع که آنان را استخدام کرده‌است به آسیب بالقوه ناشی از سوءاستفاده از قدرت تبدیل می‌شوند. به علاوه همانند همه حقوق‌بگیران انگیزه شانه خالی کردن از وظایف نیز دارند (گانینگ، ۱۳۹۳: ۱۳۳)؛ (Guning, 2014: 133).

## ۲-۴- خلل‌های عارضی

برخی ناکارآیی‌هایی‌های دموکراسی غیرذاتی‌اند و از بیرون بر آند عارض می‌شوند.

### ۱-۲-۴- گروه‌های ذی‌نفوذ

گروه‌های ذی‌نفوذ سازمان‌هایی‌اند که می‌کوشند بر تصمیمات دولت‌ها تاثیر بگذارند (لیپست، ۱۳۸۴: ۱۱۳۲)؛ (Lipset, 2004: 1132). اینان با غایت یکسان تاثیر بر جامعه با بهره‌مندی از نفوذ و قدرت مسلط می‌کوشند متشبث به راهکارهای سیاسی اهداف خود را تحقق بخشیده (الوانی، ۱۳۸۰: ۹۶)؛ (Alvani, 2001: 96)، در پی تاثیرگذاری بر روند امور (گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۰)؛ (Guning, 2014: 40) یا تصویب قوانین به منظور کسب منافع باشند (گانینگ، ۱۳۹۳: ۲۹۰)؛ (Guning: 2014: 290). معمولاً مستقیماً در فتح قدرت و اجرای آن مشارکت نمی‌یابند بلکه خارج از ساختار قدرت اما متصل و در حاشیه، آن را در حوزه‌های قانون‌گذاری (Catt, 2002: 112) سیاست‌گذاری (عسگرزاده، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳)؛ (AsgarZadeh, 2013: 30-33) یا اجرا، متاثر می‌سازند.

تاثیر آنان بر قدرت، خصوصاً در انتخابات و مبارزات انتخاباتی تلالو می‌یابد (Rowbottom, 2010: 88) و تعاملات پیش‌انتخاباتی آنان و نامزدها به معاملات پسان‌انتخاباتی تغییر می‌یابد. به خلاف نظریات قدیمی دموکراسی که سیاست‌گذاری ملی برآمد انتخاب یکسان مردمان انگاشته می‌شد، پس پرده واقعیت دموکراسی‌های کنونی، گروه‌های ذی‌نفوذ بر مسیر دموکراسی‌ها موثر و صحنه‌آرا هستند. خصوصاً که قدرت برانگیختگی واکنش مردمی (عسگرزاده، ۱۳۹۲: ۳۰-۳۳)؛ (AsgarZadeh, 2013: 30-33) گروه‌های ذی‌نفوذ بهره‌گیری از پشتوانه افکار عمومی در نیل به مطلوبات‌شان را نیز به همراه دارد (Gatner, 1980: 32-36).

### ۲-۴- انحراف در خدمت‌رسانی عمومی

ناکارآیی عارضی دیگر برآمده از خدمات دموکراسی‌ست. مطابق هر نظریه‌ای از نظریات دولت، دولت‌ها ناچار از ارائه خدماتی به جوامع‌اند (Dryzek & Dunleavy, 2009). با وجود تفاوت سعه و

ضیق آن در نظریات گوناگون (Wolff & Resnick, 2012)، تمامی نظریات واقعی دولت، قائل به نقش خدمات‌رسان آن هستند. در جهان معاصر که به جز تعدادی انگشت شمار، باقی دولت‌ها مبتنی بر دموکراسی -شکلی یا ماهوی، حداقلی یا حداکثری- اداره می‌شوند و ناچار از ارائه خدماتی‌اند که مطالبه عمومی اجتماعی است. از خدمات اولیه‌ای مانند امنیت که برای ادامه حیات دموکراسی ضروری است (گانینگ، ۱۳۹۳: ۳۰۹)؛ (Guning, 2014: 309) تا تحت تاثیر اندیشه‌های دولت رفاهی (Castles et.al.: 2010) تولید و توزیع برخی کالاها دیگر (Gutmann, 1988)، گستره این خدمات بسیار وسیع گردیده‌است. عدم تلازم رویه‌های دموکراتیک با کارایی آن‌ها، فقدان تضمین اداره درست این امور را شدنی می‌نماید (لاکومب، ۱۳۸۲: ۴۳)؛ (Lacombe, 2003: 43).

شکست در تشخیص و ارائه «به‌جا»، «به‌هنگام» و «بهینه» خدمات دموکراسی‌ها در هر دو سطح مقامات خط‌مشی‌ساز (قانون‌گذاران: تشخیص‌دهندگان معیارهای «زمان»، «مکان» و «چگونگی» خدمت‌رسانی) و مجریان (تعیین‌کنندگان مصادیق) رخ می‌نماید. دلایل گوناگونی وجود و ازدیاد این مشاغل را موجب می‌گردد که خود قابلیت امتزاجی نیز می‌یابند. به علاوه خط‌مشی‌گذاران ممکن است گرفتار تمهیداتی شوند که مجریان برای سیاست‌گذاری در اذهان آنان نهادینه ساخته بدین‌سان بر آنان اثر گذارند. نظیر همین، در رابطه عمودی مجریان (ساختار سلسله‌مراتبی دیوان-سالاری) نیز حاکم است. یعنی دیوان‌سالاران مافوق دچار سوگیری ناشی از رسوب ذهنی داده‌های فکری-عملی دیوان‌سالاران مادون شوند که از خلال القانات و زمینه‌سازی‌های انبوهی از سخنان کارشناسان، جلسات کارشناسی، هیات‌های مشاوره‌ای یا شوراهای پرتعداد و تکرار دائمی پدید می‌آید.<sup>۲</sup> کثرت موجبات، خصوصاً در میان دیوان‌سالاران دموکراسی‌ها، به شکلی خاص این رنجوری را سبب گردیده‌است. به ویژه آنکه «خدمات عرضه شده دولتی اغلب به معنی عرضه خدمات توسط دیوان‌سالاری است. نه مدیریت و نه کارمندان عادی دیوان‌سالاری هیچ‌یک برای خشنود کردن مصرف‌کنندگان انگیزه سودی را که در بین صاحبان و کارمندان بنگاه‌های خصوصی

<sup>۱</sup>. بسیاری شهروندان در دنیای امروز از دولت‌های دموکراتیک انتظار بسترسازی و سوق دادن آن‌ها برای نیل به سوی موفقیت را دارند. بویژه از منظر رفتارشناسی در رویکردی امنیت‌خواهانه، در بهره‌مندی از مواهب زندگی، آنان برای تولید کالا و خدمات دولت را بر بازار ترجیح می‌دهند. این دست‌کسان، حتی به برنامه‌ریزی اقتصاد متمرکزی همانند آنچه در اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت نگرش مساعدی دارند مشروط بر آن که حوائج آنان را تضمین و تامین نماید بنگ: گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۵.

<sup>۲</sup>. وجود سازوکارهایی مانند درگیر ساختن ذی‌نفعان در فرآیند اتخاذ تصمیمات اداری، وجود سازوکارهایی مانند استماع عمومی (Public Hearing)، الزام مامور اداره به ارائه گزینه‌های موجود در عوض ارائه یک گزینه برای اتخاذ تصمیم اداری، الزام به بیان و تشریح مزایا و معایب هر یک از گزینه‌های موجود برای اتخاذ تصمیم اداری، نظارت قضایی، دادرسی اداری و... در نظام‌های اداری همه از سازوکارهایی است که می‌کوشد از بروز چنین وضعیت‌هایی جلوگیری نماید.

وجود دارد ندارند» (گانینگ، ۱۳۹۳: ۴۱)؛ (Guning, 2014: 41) بعلاوه، چون اداره امور همراه با رقابت نیست نمی‌توان به نظارت کیفی-مقیاسه‌ای، به عنوان ملاکی معتبر در ارزیابی عملکردها پرداخت. بالمآل، پیشرفت کار و بازدهی آن قابل ارزیابی نیست (لاکومب، ۱۳۸۲: ۴۷)؛ (Lacombe, 2003: 47)

لذا، خدمات‌رسانی تحت تاثیر خدمات‌رسانان دموکراسی قرار گرفته، نگرش‌ها و انگیزه‌های آنان در عمل منافع بالقوه را تقویت می‌کند (لاکومب، ۱۳۸۲: ۴۰) و در اثر ضعف بروکراسی، نارسایی‌هایی نظیر ضعف‌های شخصیتی بروکراتیک (سرلک و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۳-۵۴)؛ (Sarlak, et.al., 2009: 43-54)، وفور بی‌دلیل کارمندان، کار ماشینی یا مکانیکی، تاخیر در تصمیم‌گیری، مقررات دست و پا گیر و بی‌فایده که همه مسئولیت‌ها را محو می‌سازد، دموکراسی‌ها را به ورطه ناکارایی می‌اندازند. این میان در فرآیندی هم‌افزا در فقدان هماهنگی، آینده‌نگری به عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های خدمات‌رسانی دموکراتیک و عنصر ضروری در حکمرانی که هر حکومت برای کارآمد بودن باید به اندازه کافی در برابر تقاضایی که هنوز بیان نشده‌اند واجد آن باشد، نادیده انگاشته می‌شود. مآلاً در صورت نبود هنر حکمرانی، تامین این خدمات که می‌توانست مشروعیت‌زا و رضایت‌افزا باشد به نقطه ضعف ناکامی دولت‌های دموکراتیک بدل می‌گردد.

## برآمد

ناکارایی عملی دموکراسی امر بین‌است. حتی اگر چنین نباشد بی‌شک، شکل‌های دیگر دولت که در طول تاریخ مدنیت بشر خود را به شکل حکومت‌های استبدادی نشان داده‌اند، ناکاراترند. زیرا در رژیم استبدادی احتمال گسترش فساد اعم از اقتصادی، سیاسی و... بیش‌تر است. وجه رجحان دموکراسی از این منظر همین است. چه آنکه توانسته‌است سپری در مقابل بدترین سوءاستفاده‌ها از قدرت باشد و سازوکارهای پیروزی این کارزار را فراهم کند. اگرچه ناکارایی ویژگی منفی موثر بر مشروعیت نظام‌های سیاسی است، اما این ویژگی را باید در ملازمه با ویژگی‌های مثبت آن تعدیل کرده برای برون رفت از آن چاره‌اندیشید.

آغازگاه، واکاوی چرایی ناکارایی است. دموکراسی‌های کنونی توامان از درون و برون خود با خلل‌های موجد ناکارایی که آنان را از مسیر مطلوب منحرف می‌سازد، مواجهند. خلل‌های درونی هم برآمده از شهروندان و هم کارگزاران آن است. شهروندان دموکراسی‌ها، با ضعف یا ترک مشارکت، دموکراسی‌ها را از میسر منحرف می‌سازند. همچنین فقد یا ضعف آگاهی عمومی آنان نیز می‌تواند بر امور عمومی سوءتاثیر بگذارد. بعلاوه می‌توانند با منفعت‌طلبی شخصی در مقام رای-دهی ناکارایی بیار آورند. کارگزاران نیز در هر دو سطح سیاست‌مداران انتخابی و بروکرات‌های غیرانتخابی با رجحان عامدا یا ناآگاهانه منافی غیر از منفعت واقعی مردمان ناکارایی می‌زایند.

خلل‌های عارضی دموکراسی‌ها نخست بر آمده از گروه‌های ذی‌نفوذی تعقیب‌کننده منافع خصوصی و دیگر، خدماتی است که دموکراسی‌ها ناچار از ارائه آن‌ها هستند و بعلت عوامل گوناگونی خلل پذیرد.

همراستاسازی پیشانتخاباتی و سازوکارهای به راه‌آوری پسانتخاباتی نمایندگان و همچنین شیوه‌های ارتقاء مسئولیت‌پذیری اخلاقی - حرفه‌ای آنان به منظور عمل در مسیر منافع و خواست مردمان دموکراسی‌ها، گام به سوی شفاف‌سازی تصمیمات و در معرض دیدگان همگان‌آوری سازوکارها، چگونگی اتخاذ و اخذ آنان به منظور جلوگیری از نفوذ گروه‌های ذی‌نفع، کاستن از تراکم وظایف و گستره مسولیت‌های حکومت‌ها بخشی از سازوکارهایی است که می‌تواند در ارتقا کارآیی موثر باشند. اما مهم‌تر از همه دموکراسی‌ها زاده جوامع و حاصل اخلاقیات شهروندانشان و تغییرشان نیز تابعی از تغییر مردمان و تنها در گرو آن است.

### منابع فارسی

۱. انصاری، م. (۱۳۸۴). دموکراسی گفتگویی، تهران، نشر مرکز.
۲. آراسته‌خو، م. (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، جلد اول، تهران، موسسه نشر گزینش.
۳. آریلاستر، آ. (۱۳۸۹). دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، انتشارات آشیان.
۴. آلمن، ا. (۱۳۸۶). درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. برنارد، ک. (۱۳۹۲). دموکراسی، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، انتشارات بصیرت.
۶. بشیریه، ح. (۱۳۸۷). درس‌های دموکراسی برای همه، تهران، نشرنگاه معاصر.
۷. بلاغی غزنوی، ح. (۱۳۸۱). درآمدی بر دموکراسی، قم، انتشارات نوید اسلام.
۸. بیتهام، د. و بویل، ک. (۱۳۷۷). پرسش و پاسخ در باب آزادی دموکراسی و جامعه مدنی، ترجمه رضا زمانی، تهران، نشر ثالث.
۹. بیتهام، د. و بویل، ک. (۱۳۷۶). دموکراسی چیست؟، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۰. پاتنام، ر. (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های دموکراتیک، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۱. تلیس، ر. ب. (۱۳۹۱). دموکراسی پس از لیبرالیسم، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران، انتشارات طرح نو.
۱۲. دال، ر. (۱۳۸۹). درباره دموکراسی، ترجمه فیروز سالاریان، تهران، نشر چشمه.
۱۳. دای، ت. و زیگلر، ه. (۱۳۷۲). نخبگان توده‌ها و دموکراسی، ترجمه بهروز نجاریان، اهواز، انتشارات خوزستان.

۱۴. دوبنوا، آ. (۱۳۷۸). *تامل در مبانی دموکراسی*، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران، نشر چشمه.
۱۵. رضا، ع. (۱۳۶۲). *کمونیسم و دموکراسی*، تهران، انتشارات نوین.
۱۶. زکریا، ف. (۱۳۸۵). *آینده آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی*، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران، انتشارات طرح‌نو.
۱۷. طباطبایی، م. (۱۳۹۳). *چشم‌انداز دموکراسی*، سمیرم، انتشارات سام‌آرام.
۱۸. قاسمی، آ. (۱۳۹۸). *دموکراسی غیرانتخابی*، تهران، انتشارات حقوقی.
۱۹. قراگوزلو، م. (۱۳۸۷). *فکر دموکراسی سیاسی*، تهران، موسسه انتشارات آگاه.
۲۰. قرداغی، ف. (۱۳۹۳). *افسانه دموکراسی*، ترجمه کیومرث یوسفی، سندج انتشارات آراس.
۲۱. گانینگ، ج.پ. (۱۳۹۳). *دموکراسی مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*، ترجمه حسین ربیعی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۲۲. گودین، ر. (۱۳۸۹). *دموکراسی سنجیده*، ترجمه لیلی سازگار، تهران، انتشارات ققنوس.
۲۳. لاکومب، ر. (۱۳۸۲). *بحران دموکراسی*، ترجمه نورعلی تابنده، تهران، نشر باغ‌نو.
۲۴. لیبی، م. (۱۳۸۸). *لیبرال دموکراسی*، تهران، نشر افکار.
۲۵. لیپست، س. (زیر نظر) (۱۳۸۴). *دایره‌المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و دیگران، تهران، مرکز و انتشارات کتابخانه وزارت امور خارجه.
۲۶. موحد، م. (۱۳۸۴). *در هوای حق و عدالت*، تهران، نشر کارنامه.
۲۷. موف، ش. و دیگران (۱۳۹۵). *در نقد و دفاع از دموکراسی لیبرال*، ترجمه جعفر محسنی دره-بیدی، تهران، نقش و نگار.
۲۸. نلسون، و. (۱۳۸۴). *در توجیه دموکراسی*، ترجمه علیرضا پارسا، نشر دیگر.
۲۹. الوانی، م. (۱۳۸۰). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی*، تهران، انتشارات سمت.
۳۰. ویبر، ف. (۱۳۹۵). *دموکراسی غیرانتخابی و تفکیک قوای جدید*، ترجمه علی‌اکبر گرجی-ازندریانی و دیگران، تهران، انتشارات خرسندی.
۳۱. هوپ، ه. (۱۳۹۵). *اشرافیت سلطنت دموکراسی*، ترجمه سلیمان عابدی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۳۲. سرلک، م. و دیگران (۱۳۸۸). «تبیین الگوی سازمانی فرابروکراتیک در ابعاد محیطی ساختاری و رفتاری با مدل سازمانی بروکراتیک»، *مدیریت فردا*، ۸(۲۱)، ۴۳-۵۴.
۳۳. عبدالله، ع. (۱۳۸۸). «سیری در نظریه‌های رفتار رای‌دهی»، *فصلنامه رهیافت‌های انقلاب اسلامی*، ۳(۸)، ۸۷-۱۰۴.
۳۴. عسگرزاده، م. (۱۳۹۲). «نقش گروه‌های ذی‌نفوذ در خط‌مشی‌گذاری عمومی»، *فرهنگ و رفتار اداری*، ۱(۶)، ۳۰-۳۳.

۳۵. قدردان قراملکی، م. (۱۳۸۵). «نیم‌نگاهی به اسلام و دموکراسی»، حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۸۵، ۱۱(۴۱): ۱۴۸-۱۵۹.
۳۶. کمپس، و. (۱۳۷۸). «آموزش دموکراسی»، ترجمه محمود امانی‌تهرانی، رشد معلم، مهر، ۱۳۸۵(۱۸)، ۵۰-۵۳.
۳۷. گرجی ازدریانی، علی‌اکبر و مختاری، مهدی (۱۳۹۰-۱۳۸۹). *درآمدی بر حقوق انتخابات و نظام‌های انتخاباتی*، جزوه در نظام‌های انتخاباتی، کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال نخست.
۳۸. نجفی‌افرا، م. (۱۳۸۴). «اسلام و دموکراسی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، مهر و آبان، ۲۰(۲۱۷-۲۱۸)، ۵۴-۶۱.

### English References

1. Caplan, B. (2007). *The Myth of the Rational Voter: why democracies choose bad policies*, Princeton, Princeton University Press.
2. Castles, F. et.al. (eds.) (2010). *Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford, Oxford University Press.
3. Catt, H. (2002). *Democracy in Practice*, 2th Edition, USA & Canada, Taylor & Francis e-Library.
4. Dryzek, J. S. & Dunleavy, P. (2009). *Theories of the Democratic State*, Palgrave Macmillan, China, 2009
5. Elester, J. & Aanund H. (Editors) (1989). *Foundations of Social Choice Theory*, Cambridge, Cambridge University Press.
6. Gutmann, A. (1988). *Democracy and the Welfare state*, Princeton, Princeton University Press.
7. Johnson, P. E. (1998). *Social Choice: Theory and Research*, thousand Oaks (California). Sage Publication.
8. Rowbottom, J. (2010). *Democracy Distorted*, Cambridge, Cambridge University Press.
9. Wolff, R. D. & Resnick, S. A. (2012). *Contending Economic Theories (Neoclassical, Keynesian and Marxian)*. Massachusetts, Massachusetts Institute of Technology.
10. Zierler, D. (2011). *the Invention of ecocide: agent orange Vietnam and scientists who changed the way we think about the environment*, Athens (Georgia). University of Georgia Press.
11. Caplan, B. (2001). *Rational Ignorance versus Rational Irrationality*, *Kyklos International Review for Social Sciences*, 14(54), 3-26.

12. Dalley, P. J. (2011). *A Theory of Agency Law*, University of Pittsburgh law Review, 18(72), 495- 547.
13. Gatner, J. A. (1980). *In Pursuit of Public Opinion: Politics of pressure Groups*, Canadian Parliamentary Review, 1(3), 32-36.
14. Jayant B. (2003). *Democracy of pressure Groups*, Scientific Report, Available at:  
a. [http://jayantbhandari.com/downloads/democracy\\_of\\_pressure\\_groups.pdf](http://jayantbhandari.com/downloads/democracy_of_pressure_groups.pdf)
15. Mashaw, J. L. & Harfst, D. L. (1987). *Regulation and Legal Culture: The Case of Motor Vehicle Safety*, Yale journal on Regulation, 1(4), 257-316.

#### **Translated Refrences to English**

1. Abdullah, A. (2009). "Saturation in theories of voting behavior", Islamic Revolution Approaches Quarterly, 3(8). 87-104.
2. Altman, A. (2007). An introduction to the philosophy of law, translated by Behrouz Jandaghi, Qom, Imam-Khomeini Educational and Research Institute Publications. **(In Persian)**
3. Ansari, M. (2005). Conversational Democracy, Tehran, Center Publishing. **(In Persian)**
4. Araste Kho, M. (1993). Basics of Political Sociology, Volume 1, Tehran, Ghazanesh Publication Institute. **(In Persian)**
5. Arblaster, A. (2010). Democracy, translated by Hassan Mortazavi, Tehran, Ashian Publications. **(In Persian)**
6. Asgarzadeh, M. (2012). "The role of influential groups in public policy making", Culture and Administrative Behavior, 1(6). -30-33.
7. Balaghi Ghaznavi, h. (1381). An Introduction to Democracy, Qom, Navid Islam Publications. **(In Persian)**
8. Bashiriyeh, H. (2008). Lessons of democracy for all, Tehran, Masereh Press. **(In Persian)**
9. Beetham, D. and Boyle, K. (1376). What is democracy?, translated by Shahram Naqsh-Tabrizi, Tehran, Qaqnoos Publications.
10. Beetham, D. and Boyle, K. (1377). Questions and answers about the freedom of democracy and civil society, translated by Reza Zamani, Tehran, third edition. **(In Persian)**



11. Bernard, K. (2012). *Democracy*, translated by Abdolreza Salar Behzadi, Basirt Publications. **(In Persian)**
12. Camps, and (1999). "Education of Democracy", translated by Mahmoud Amani Tehrani, *Rushd Moalem, Mehr*, (18) 143, 50-53.
13. Caplan, B. (2001). *Rational Ignorance versus Rational Irrationality*, *Kyklos International Review for Social Sciences*, 14(54), 3-26.
14. Caplan, B. (2007). *The Myth of the Rational Voter: why democracies choose bad policies*, Prinsceton, Princeton University Press.
15. Castles, F. et.al. (eds.) (2010). *Oxford Handbook of the Welfare State*, Oxford, Oxford University Press.
16. Catt, H. (2002). *Democracy in Practice*, 2th Edition, USA & Canada, Taylor & Francis e-Library.
17. Dai, T. and Ziegler, H. (1993). *The Elites of the Masses and Democracy*, translated by Behrooz Najarian, Ahvaz, Khuzestan Publications. **(In Persian)**
18. Dalley, P. J. (2011). *A Theory of Agency Law*, *University of Pittsburgh law Review*, 18(72), 495- 547.
19. Dollar. (2010). *About Democracy*, translated by Firouz Salarian, Tehran, Cheshme Publishing House. **(In Persian)**
20. Dryzek, J. S. & Dunleavy, P. (2009). *Theories of the Democratic State*, Palgrave Macmillan, China, 2009
21. Dubnova, A. (1999). *Reflections on the foundations of democracy*, translated by Bozor Naderzad, Tehran, Cheshme Publishing House. **(In Persian)**
22. Elester, J. & Aanund H. (Editors) (1989). *Foundations of Social Choice Theory*, Cambridge, Cambridge University Press.
23. Elwani, M. (2001). *Decision-making and policy setting*, Tehran, Samt Publications. **(In Persian)**
24. Gatner, J. A. (1980). *In Pursuit of Public Opinion: Politics of pressure Groups*, *Canadian Parliamentary Review*, 1(3), 32-36.
25. Ghadrani Karamelki, M. (2006). "A Half-View of Islam and Democracy", *Islamic Government*, Fall 2015, 11(41). 148-159.
26. Ghasemi, A. (2018). *Non-elective democracy*, Tehran, Legal Publications. **(In Persian)**

27. Godin, R. (2010). *Sangideh Democracy*, translated by Lili Kogash, Tehran, Phoenix Publications. **(In Persian)**
28. Gunning, J.P. (2013). *Democracy, an introduction to public choice*, translated by Hossein Rabiei, Tehran, Duniya Ekhtaz Publications. **(In Persian)**
29. Gurji Azandriani, A.A., Mokhtari, M. (2010-2011). *An introduction to electoral law and electoral systems*, pamphlet on electoral systems, master's degree in public law, Shahid Beheshti University, first semester.
30. Gutmann, A. (1988). *Democracy and the Welfare state*, Princeton, Princeton University Press.
31. Hope, H. (2015). *Aristocracy of the Monarchy of Democracy*, translated by Suleiman Abedi, Tehran, Dunya Ekhtaz Publications.
32. [http://jayantbhandari.com/downloads/democracy\\_of\\_pressure\\_groups.pdf](http://jayantbhandari.com/downloads/democracy_of_pressure_groups.pdf)
33. Jayant B. (2003). *Democracy of pressure Groups*, Scientific Report, Available at:
34. Johnson, P. E. (1998). *Social Choice: Theory and Research*, thousand Oaks (California). Sage Publication.
35. Karagozlu, M. (2008). *The thought of political democracy*, Tehran, Aghah Publications Institute. **(In Persian)**
36. Labibi, M. (2009). *Liberal Democracy*, Tehran, Afkar Publishing. **(In Persian)**
37. Lacombe, R. (2003). *Crisis of Democracy*, translated by Noor Ali Tabandeh, Tehran, Bagh-No publishing house.
38. Lipset, S. (under review) (2004). *Encyclopedia of Democracy*, translated by Kamran Fani and others, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Library Center and Publications. **(In Persian)**
39. Mashaw, J. L. & Harfst, D. L. (1987). *Regulation and Legal Culture: The Case of Motor Vehicle Safety*, Yale journal on Regulation, 1(4), 257-316.
40. Moff, Sh., Others (2015). *In criticism and defense of liberal democracy*, translated by Jafar Mohseni Darehbidi, Tehran, Naqsh Vangar. **(In Persian)**
41. Mohed, M. (2005). *In the air of justice and justice*, Tehran, Karnameh publication. **(In Persian)**
42. Najafi Afra, M. (2005). "Islam and Democracy", political-economic information, Mehr and Aban, (20) 217-218, 54-61.

43. Nelson, and (2005). In justifying democracy, translated by Alireza Parsa, another publication. **(In Persian)**
44. Putnam, R. (2012). Democracy and democratic traditions, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran, Sociologists Publications. **(In Persian)**
45. Qardaghi, F. (2013). The Legend of Democracy, translated by Kiyomarth Yousefi, Aras Publishing House, Sanandaj. **(In Persian)**
46. Reza, A. (1983). Communism and Democracy, Tehran, Novin Publications. **(In Persian)**
47. Rowbottom, J. (2010). *Democracy Distorted*, Cambridge, Cambridge University Press.
48. Sarlak, M., Others (2008). "Explaining the trans-bureaucratic organizational model in structural and behavioral environmental dimensions with the bureaucratic organizational model", *Farda Management*, 8(21), 43-54.
49. Tabatabai, M. (2013). The perspective of democracy, Samiram, Samaram publications. **(In Persian)**
50. Tellis, R. b. (2011). Democracy after liberalism, translated by Asgar Kahramanpour, Tehran, New Design Publications. **(In Persian)**
51. Weber, F. (2015). Non-electoral democracy and separation of new powers, translated by Ali-Akbar Gurji-Azandriani and others, Tehran, Khorsandi Publications. **(In Persian)**
52. Wolff, R. D. & Resnick, S. A. (2012). *Contending Economic Theories (Neoclassical, Keynesian and Marxian)*. Massachusetts, Massachusetts Institute of Technology.
53. Zakaria, F. (2006). The future of freedom: the priority of liberalism over democracy, translated by Amir Hossein Noroozi, Tehran, Ta-No Publications. **(In Persian)**
54. Zierler, D. (2011). *the Invention of ecocide: agent orange Vietnam and scientists who changed the way we think about the environment*, Athens (Georgia). University of Georgia Press.

